

# جغرافیای امنیتی؛

بررسی کانونهای بروز «انقلاب - ۲» از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

## ■ چکیده

در این نوشتار مؤلف سعی در پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی دارد که: آیا در جامعه اسلامی امکان بروز انقلاب دینی دیگری می‌رود یا خیر؟ برای این منظور، نخست چارچوب نظری بحث با بیان دو مفهوم تازه و محوری «انقلاب - ۲» و «جغرافیای امنیتی» طراحی می‌شود و بر این اساس رابطه امنیت و انقلاب تحلیل می‌گردد. نتیجه آن که در یک جامعه دینی به چهار دلیل ممکن است انقلاب اسلامی دیگری رخ دهد. این کانونها برگرفته و مستند به دیدگاه امام علیه السلام می‌باشد:

- ۱) آسیب دیدن ساخت اصلی نظام سیاسی یعنی ولایت فقیه،
  - ۲) تحریف تفسیر حاکم از دین،
  - ۳) ناکارآمدی نهادهای دولتی و زوال مشروعیت حکومت،
  - ۴) آسیب‌پذیری روابط متقابل بین نهاد رهبری با سایر نهادهای ضروری دیگر جامعه.
- اطلاع از نحوه عملکرد کانونهای بالا برای حفظ امنیت ملی، کاملاً ضروری است.

## ■ فهرست

مقدمه	۱۴۶
الف - چارچوب نظری	۱۴۷
اول) جغرافیای امنیتی	۱۴۹
دوم) تئوری «انقلاب - ۲»	۱۵۱
ب - ساختار «انقلاب - ۲» از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۵۲
اول) پیش و روش امام خمینی <small>علیه السلام</small> در تحلیل پدیده‌های اجتماعی	۱۵۳
دوم) بازشناسی زمینه‌های وقوع «انقلاب - ۲»	۱۵۶
نتیجه‌گیری	۱۶۴
یادداشتها	۱۶۸

## ■ کلید واژه‌ها

اسلام	.....
انقلاب	.....
امام خمینی <small>علیه السلام</small>	.....
سیاست	.....
اقتصاد	.....
فرهنگ	.....
ثبات	.....
امنیت	.....
ایران	.....

## مقدمه

از دیدگاه عالمان علوم اجتماعی، هر جنبشی<sup>۱</sup> دارای دو دوره حیاتی مهم می‌باشد: نخست، دوره تخریب<sup>۲</sup> که در آن جنبش انقلابی با آرمان براندازی نظام غیرمشروع حاکم، با برهم زدن نظم موجود، مشی امنیت‌شکنی<sup>۳</sup> را از خود به نمایش می‌گذارد. در پی آن و با نیل به پیروزی، جنبش تبدیل به نهاد<sup>۴</sup> شده و رهبران انقلابی با تأسیس نهادهای مورد نظر خود، نظم تازه‌ای را حاکم می‌سازند. هدف اصلی نظام انقلابی در این دوره نه تخریب بل تأسیس<sup>۵</sup> - و به عبارتی امنیت‌سازی<sup>۶</sup> - می‌باشد. (۱)

تبدیل شدن جنبش به نهاد از حیث منطقی کاملاً موجه و طبیعی می‌نماید و به هیچ وجه بر نفی آرمانهای انقلابی دلالت ندارد. (۲) چرا که ماندن در مرحله تخریب و عدم اهتمام به نهادسازی و نهادمندی به معنای قبول نظریه انقلاب در انقلاب است که مهم‌ترین ایراد آن، ناتوانی اش در اداره جامعه و بهبود وضعیت مادی و معنوی شهروندان خواهد بود. (۳)

براین اساس، جنبشهای انقلابی‌ای که خود معرف و تأییدگر آموزه‌های انقلابی بوده‌اند، علی‌القاعده با نیل به مرحله دوم از حیاتشان، نسبت به رفتارهایی که نظم تازه را به معارضه فرامی‌خواند، حساس بوده و همچون گرایشهای ضدامنیتی با آنها برخورد

1- Movement

2- Destruction

3- Security Breaking

4- Institution

5- Establishment

6- Security Macking

می نمایند. آن چه در خصوص جمهوری اسلامی ایران، قابل تأمل می نماید این است که: ۱۴۷ امکان تهدید امنیت ملی کشور از قِبَل حرکت‌های انقلابی‌ای که داعیه اسلامیت داشته باشند، آیا اساساً وجود دارد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، کانون‌های اصلی‌ای که بستر مناسب برای نضج و رشد چنین گرایش‌هایی را در جامعه اسلامی، فراهم می آورند کدامند؟

پاسخ به سؤال بالا، از آنجا که در ارتباط مستقیم با امنیت ملی و مبانی ارزشی فرهنگ سیاسی جامعه ما می باشد، از جمله پرسش‌های مهمی به حساب می آید که پرداختن به آن از چندین وجه ضروری است: نخست آن که، به زمامداران و مردم الگوی مناسبی برای اصلاح رفتارها و سیاست‌گذاری‌های سیاسی - اجتماعی‌شان می دهد؛ دیگر آنکه، چارچوب ارزشی نظام را - که همان ارزش‌های اسلامی باشد - از گزند انحرافات که می تواند به آسیب نظام و جامعه منجر شود، حفظ می کند. به عبارت دیگر ملاحظات مربوط به سیاست عملی و نظری، ما را وامی دارد تا هر چه بیشتر در این حوزه به تأمل پرداخته و از نظرگاه آسیب‌شناختی<sup>۱</sup> به بررسی وضعیت موجود و نسبت آن با آرمان‌های انقلابی - اسلامی، پردازیم.

برای این منظور، دیدگاه سیاسی امام علیه السلام را برگرفته و مبنای تحلیل خود قرار داده‌ایم. علت این‌گزینش اینست که آرمان‌های اسلامی انقلاب ایران، در دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام به جامعیت و شفافیت وجود دارد؛ بنابراین اصول و مبانی‌ای که ایشان طرح و به اجرا گذاردند، می تواند بهترین مبنا برای تحلیل وضعیت موجود و عرضه الگوی اصلاحی برای آینده قرار گیرد.

## الف - چارچوب نظری

جریان پژوهش‌های اجتماعی در جامعه ما متأسفانه بنا به علل مختلف، بیشتر موضوع پژوهانه<sup>۲</sup> است تا نسبت‌پژوهانه<sup>۳</sup>. مطالعات گروه نخست (اس - استادی) معمولاً در پاسخ به پرسش از چیستی موضوع - پرسش‌هایی که در قالب الگوی «X چیست؟»<sup>۴</sup> طرح می شوند - شکل گرفته و دربرگیرنده بخش‌هایی چون تعاریف، نظریه‌ها، انواع و...

1- Pathological

2- Subject-Studies (اس - استادی)

3- Relation-Studies (آر - استادی)

4- "What is X?"

می‌باشند. (۴) این پژوهشها اگرچه مهم و ضروری هستند، اما در سیاست عملی چندان کارآ نبوده و همچون مقدمه مباحث اصلی به حساب می‌آیند. برای انتقال این پژوهشها به حوزه سیاست عملی و به تعبیری کاربردی ساختن آنها، لازم می‌آید تا پرسش از نسبت بین مقولات مختلف جایگزین پرسش از چیستی موضوعات شود. این مهم در گونه دوم از مطالعات (یعنی آر - استادی) به انجام می‌رسد که الگوی پرسشی آنها به این صورت می‌باشد: «رابطه بین X و Y چگونه است؟» (۵) با عنایت به حضور حداقل دو عامل در این پرسش و ضرورت تبیین نوع رابطه بین آنها، در نهایت یک الگوی عملی ساده و یا پیچیده در پیش روی خواننده خواهد بود که با توجه به آن می‌تواند به سیاستگذاری پردازد؛ برای مثال اگرچه دو مقوله توسعه اقتصادی و امنیت ملی هر یک موضوع تحقیقات موضوع پژوهانه متعددی بوده‌اند، اما پاسخ به این پرسش مهم که: «آیا برای تقویت امنیت ملی ضرورتاً باید به توسعه اقتصادی دامن زد یا خیر؟» و یا این که «حد و حدود توسعه اقتصادی و الگوی عملی آن برای تقویت امنیت ملی کدامست؟» و سؤالاتی از این قبیل که درخصوص توسعه سیاسی، مشارکت مردمی و... مطرح شده‌اند؛ از درون چنین پژوهشهایی قابل استنتاج نیست. برای این منظور باید به حوزه نسبت‌پژوهی اقبال نمود که در آن از نوع رابطه بین مقولات مختلف همچون توسعه و امنیت، مشارکت و ثبات، فن‌آوری و محیط زیست، قدرت و مشروعیت و... سخن به میان می‌آید.

مطالعات نسبت‌پژوهانه (آر - استادی) نیز دارای گونه‌های مختلفی هستند که با توجه به عوامل مؤثر در پژوهش، آنها را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود:

اول - مطالعات نسبت‌پژوهانه دو عاملی یا «آر - استادیهای ساده»<sup>۱</sup> که در آن رابطه بین دو متغیر بررسی می‌گردد.

دوم - مطالعات نسبت‌پژوهانه چند عاملی یا «آر - استادیهای مرکب»<sup>۲</sup> که در آن رابطه بین سه یا چند متغیر به بررسی در می‌آیند.

نوشتار حاضر از آن جا که به بررسی نسبت بین دو عامل انقلاب و امنیت در جوامع اسلامی می‌پردازد، متعلق به حوزه مطالعاتی «نسبت‌پژوهی دو عاملی» (آر - استادی ساده) است؛ بنابراین راهکارهای پیشنهادی و تحلیل داده شده در همین سطح قابل ارزیابی و انتقاد می‌باشد. بدیهی است که مؤلف خود اذعان دارد که طرح جامع‌تر این

مقوله، در گرو انجام گرفتن پژوهشهای نسبت پژوهی دیگری می باشد تا در نهایت بتوان تصویر جامع و کاملی را از وضعیت امنیت ملی ایران و راهکارهای تقویت آن به دست داد.

در این زمینه، نخست دو مفهوم محوری «جغرافیای امنیتی» و «انقلاب - ۲» تحلیل و سپس در درون چارچوب نظری فراهم آمده، نوع ارتباط «انقلاب» و «امنیت» با استناد به دیدگاه امام خمینی علیه السلام تبیین شده است؛ امید آن که مقالاتی از این قبیل بتواند به تقویت این بعد از پژوهشهای اجتماعی در جامعه علمی ماکمک نموده و راه برای طرح راهکارهای علمی در عرصه سیاست عملی هموار گردد.

### اول - جغرافیای امنیتی

جغرافیای امنیتی (ژئوسکیوریتی)<sup>۱</sup>، اصطلاحی است بر وزن و سیاق جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)<sup>۲</sup> که به دلیل تنوع و گستردگی ای که دارد، چشم انداز وسیعی را برای تحقیق و تحلیل فراسوی پژوهشگران ترسیم می نماید. این واژه در نوشتار حاضر وضع شده است تا بیانگر معنای زیر باشد:

«تحقیق در زمینه کلیه کانونهایی که ثبات سیاسی - اجتماعی جامعه را به صورت بالفعل و بالقوه تهدید می نماید و شناخت منطق حاکم بر هر یک».

مطابق تعریف بالا، می توان ویژگیهای اصلی جغرافیای سیاسی را در سه محور زیر خلاصه ساخت:

نخست - جغرافیای امنیتی جزئی از مقوله ای کلان تر به نام ساختار امنیتی<sup>۳</sup> به شمار می آید که دربرگیرنده کلیه مباحثی است که به نحوی به موضوع امنیت ملی کشور ربط دارند. ساختار امنیتی هر کشور دارای چهار حوزه پژوهشی عمده می باشد که عبارتند از:

۱- جغرافیای امنیتی که کانونهای موجد ناامنی را در ابعاد و سطوح مختلف، شناسایی و معرفی می کند. (۶)

۲- حقوق امنیتی که به بررسی ملاحظات حقوقی امنیت ملی می پردازد.

۳- استراتژی امنیتی که سیاستهای کلان نظام در برخورد با روندهای امنیت زدا و

1- Geosecurity

2- Geopolitic

3- Structure of Security

تقویت مبانی امنیتی (۷) جامعه را برای نیل به آرامش و اطمینان خاطر، مشخص می نماید. (۸)

۴- مدیریت امنیتی که نهادها، نیروهای انتظامی - امنیتی و برنامه‌های اجرایی آنها را مشخص می سازد. (۹)

ساختار امنیتی = جغرافیای امنیتی + حقوق امنیتی + استراتژی امنیتی + مدیریت امنیتی

دوم - جغرافیای امنیتی از حیث روش، توصیفی و از حیث ماهیت، بین‌رشته‌ای است؛ بدین معنا که از رهگذر جمع بین نظرات کارشناسان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فنی و نظامی، می‌توان نقشه امنیتی‌ای را برای کشور ترسیم کرد که در آن کانونهای مختلف ایجادگر ناامنی در مناطق مختلف کشور مشخص شده‌اند. براین اساس رسالت کارشناسان این حوزه، توصیفی دقیق و مستند از روندهای جاری و نتایج احتمالی مترتب بر آنهاست. تحلیل داده‌ها و طرح راهکار، دو اقدام مهم دیگر هستند که در شأن عالمان جغرافیای امنیتی نبوده و کارشناسان خاص خود را دارد.

سوم - جغرافیای امنیتی دارای سطوح و ابعاد و اولویتهای خاص خود است که مطابق دیدگاه مقبول عبارتند از: (۱۰)

۱- سطح: از این حیث می‌توان کانونهای ایجادگر ناامنی را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تقسیم‌بندی نمود.

۲- بُعد: از این حیث مهم‌ترین ابعاد مدنظر عبارتند از: فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، نظامی و فنی - علمی.

۳- اولویت (شدت): بالفعل، بالقوه (شامل میان‌مدت و بلندمدت)

خلاصه کلام آن که، جغرافیای سیاسی، حوزه‌ای از پژوهشهای سیاسی - اجتماعی است که به یافتن مهمترین کانونها و فرآیندهای تهدید در هفت بعد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، نظامی و فنی - علمی، آن هم در سه سطح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی، همت می‌گمارد. عالمان این حوزه مطالعاتی، در ذیل هر عنوان سه‌گونه تهدید متفاوت را از حیث شدت (یعنی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) از یکدیگر تفکیک و تمییز می‌دهند.

ادعای فلاسفه علم مبنی بر پیچیده بودن واقعیتها و ضرورت تأمل بسیار در زوایای مختلف آنها جهت نیل به حقایق، با تحقیق در زمینه انقلاب به خوبی برای پژوهشگران روشن می‌شود. این پدیده مهم که در حیات اجتماعی انسان بارها به آزمون درآمده و تاریخی به درازای حیات جمعی انسان دارد، توجه اندیشه‌ورزان متعددی را به خود جلب کرده است. نتیجه این اهتمام پدید آمدن سنت سحرآمیزی است که به گفته آلون استانفورد کوهن،<sup>۱</sup> فیلسوفان، تاریخ‌دانان و اندیشه‌مندان علوم اجتماعی می‌توانند برای قرنهای متمادی و با لذت تمام از آن تغذیه علمی نمایند. (۱۱) اکنون که در سالهای آغازین قرن بیست و یکم به سر می‌بریم، این موضوع همچنان جذابیت خود را حفظ کرده و شاهد آنیم که پژوهشگرانی همچون اریک جی هابز باوم<sup>۲</sup> از ضرورت طراحی چارچوبهای نظری تازه‌ای سخن می‌گویند که بتواند با لحاظ کردن پیچیدگیهای ذاتی انقلاب، زمینه بیان تفاسیر تازه‌ای را متناسب با شرایط فعلی فراهم آورد. (۱۲) این که هر ساله حجم قابل توجهی از تحقیقات اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های علمی به این موضوع اختصاص می‌یابد، (۱۳) خود بهترین گواه بر حساسیت مسایل مربوط به انقلاب می‌باشد و ما را تشویق می‌کند که به بررسی ابعاد گوناگون این پدیده بپردازیم؛ باشد که از این طریق بتوانیم در حفظ ثبات سیاسی - اجتماعی کشور موفق‌تر عمل نموده و با پیش‌گیری از تکوین عوامل ایجادگر نارضایتی، در تقویت امنیت ملی کمک‌ساز باشیم.

این مطلب از یک بعد دیگر برای ما ضروری و حساس است و آن هم این که، ما تجربه انقلاب بزرگی همچون انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام علیه السلام را داریم که نه تنها شرایط داخلی بلکه معادلات قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی را تحت تأثیر خود قرار داد. تأثیرات شگرف انقلاب اسلامی در جهان، همگان را متوجه انقلاب ما ساخت (۱۴) به گونه‌ای که تلاشهای بسیاری در طرح چارچوب نظری مناسبی برای تفسیر آن صورت پذیرفته است. (۱۵) انقلاب اسلامی ایران نیز در حال حاضر با تأسیس نظام جمهوری اسلامی توانسته است با پشت سرگذاوردن تندبادهای دوره نفی، خود را تثبیت نماید. بدیهی است که چنین انقلابی برای استمرار بقای خود نیازمند یاری‌جویی از حوزه‌های علمی است تا بتواند در عصری که آن را عصر **تئوریها**، لقب داده‌اند، (۱۶)

بهترین تئوریا را جهت تفسیر شرایط موجود و صیانت از آرمانهای خود بیابد. البته نظریه پردازی در خصوص تحولات ایران با توجه به اهمیت و شهرت آن کم نبوده و ما شاهد طرح دیدگاههای مختلف پژوهشگران داخلی و یا خارجی می باشیم. اما نوع نگرش به این موضوع یک سویه بوده است؛ بدین معنا که عموماً در پی پیدا کردن تئوری ای بوده اند که بتواند «آن چه رخ داده است» را تفسیر کند؛ حال آن که جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک نظام سیاسی مستقل، نیازمند است که از زمینه های احتمالی وقوع انقلاب اسلامی دیگری در کشور مطلع شود و بدین ترتیب سیاستهای کلان و خرد کشور را به گونه ای طراحی نماید که تهدیدات امنیتی از این ناحیه به حداقل ممکن برسد.

برای این منظور ما در نوشتار حاضر بین دو گونه مهم از انقلاب تفکیک قایل شده ایم:

اول - «انقلاب - ۱» که مراد از آن مبارزه بر ضد نظام طاغوتی در قالب یک جنبش دینی است.

دوم - «انقلاب - ۲» که مراد از آن خیزش جنبشهایی با داعیه دینی بر ضد نظامی است که آن هم داعیه دینی دارد.

هر دو مفهوم در کلمات امام خمینی علیه السلام قابل بررسی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### ب - ساختار «انقلاب - ۲» از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

از جمله ویژگیهای برجسته حضرت امام خمینی علیه السلام، جامعیت شخصیت ایشان می باشد، به گونه ای که در میان شخصیتهای بنام قرن بیستم، افراد معدودی را می توان یافت که همچون امام علیه السلام توانسته باشند بین ابعاد مختلف سیاست عملی و نظری جمع آورد. امام علیه السلام از یک طرف نظریه پردازی به شمار می آیند که با طرح تئوری ولایت فقیه توانستند روح حاکم بر سیاست شیعی را تبیین و عرضه نمایند. از طرف دیگر، رهبری انقلابی هستند که با بسیج نیروهای مردمی و نخبگان توانستند تئوری خود را به شکل انقلابی بزرگ، در آورند. در نهایت هم، جنبش به نتیجه رسیده و به تأسیس جمهوری اسلامی منتهی می شود. به عبارت دیگر، امام علیه السلام سه مقام نظریه پردازی، سیاست عملی و طراحی الگوی عملی را درک کردند و منطق واحدی را در هر سه حوزه پی گرفتند که حکایت از انسجام دیدگاه ایشان دارد. بنابراین برای درک دیدگاه ایشان در باب «انقلاب - ۲» لازم است تا نخست بینش و روش حضرت امام علیه السلام را در تحلیل پدیده های اجتماعی درک نماییم و پس از آن به بازشناسی زمینه های بروز «انقلاب - ۲» از نظرگاه ایشان همت گماریم.



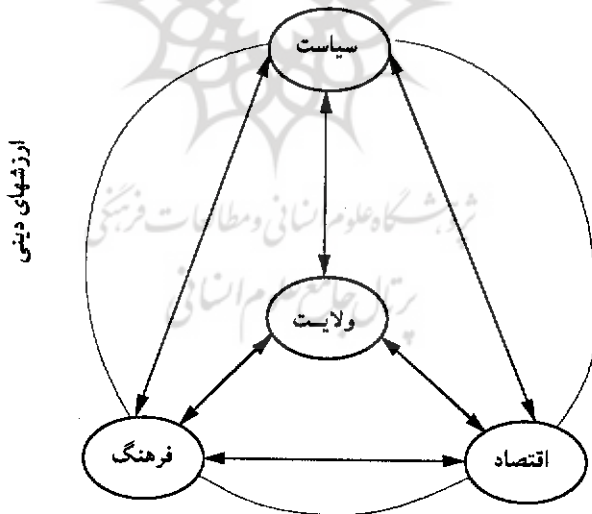
اول - بینش و روش امام خمینی علیه السلام در تحلیل پدیده‌های اجتماعی

برای درک بینش حضرت امام علیه السلام و این که ایشان چگونه به تحلیل پدیده‌های اجتماعی و از آن جمله انقلاب، همت می‌گمارده‌اند، لازم است تا ساختار کلی جامعه اسلامی را از نظر امام خمینی علیه السلام به بررسی در آوریم. تصویر حاصله از رهگذر تحلیل فوق بیانگر بینش امام علیه السلام می‌باشد و به ماکمک می‌کند تا با وارد شدن به فضای ذهنی ایشان، با همان روش وی، به فهم پدیده‌ها بپردازیم.

از سیره عملی و نظری امام علیه السلام این گونه استنتاج می‌شود که ایشان قائل به دو ساخت اصلی در بطن جامعه اسلامی بوده‌اند. دو ساختی که ثبات جامعه اسلامی در گرو حفظ سلامت آن دو است و در صورت بروز هرگونه نارسایی، علی القاعده جامعه در گرداب بی‌ثباتی گرفتار خواهد آمد: ساخت مرکزی ولایت و ساختهای پیرامونی اقتصاد، سیاست و فرهنگ. (تصویر شماره ۲)

تصویر شماره (۲)

ساختار کلی جامعه اسلامی مطابق دیدگاه امام خمینی علیه السلام



توضیحات: مطابق بینش حضرت امام علیه السلام ولایت همچون یک نهاد در کانون ساختار اجتماعی قرار دارد که ضامن اسلامیت نظام می‌باشد. از طرف دیگر ساختارهای سیاست، اقتصاد و فرهنگ را داریم که در پیرامون نهاد ولایت قرار دارند و مطابق ارزش الهی هدایت و مدیریت می‌شوند.

مطابق بینش امام علیه السلام تمام امور جامعه باید با عنایت و برحول محور ارزشهای دینی باشد:

«ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم، جمهوری، جمهوری اسلامی است...»

نهضت برای اسلام همان دنبال نهضت انبیاء است. (۱۷)

اساساً در جامعه اسلامی کلیه پدیده‌ها در پیوند با دین معنا می‌یابند و روح دینداری در کلیه امور جاری است. برای همین منظور ساختار اجتماعی به گونه‌ای طراحی شده که در آن یک نهاد واسط وجود دارد که کارویژه اصلی آن ایجاد هماهنگی بین کلیه ساختارهای دیگر براساس ارزشهای دینی می‌باشد. امام خمینی علیه السلام این رسالت مهم را برای نهاد ولایت تعریف کرده است؛ آن جا که فقیه را همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مؤسس نظام اسلامی دانسته، می‌فرمایند:

«همان‌طور که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأمور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود...»

فقهای عادل هم باید... نظام اجتماعی را مستقر گردانند. (۱۸)

در این باره دو نکته ظریف وجود دارد که دقت در آنها برای درک جایگاه واقعی ساخت ولایت ضروری است:

اول آن که: در این جا ما از ولایت به مثابه یک ساخت سخن می‌گوییم که فراتر از فرد و ویژگیهای فردی است. این ساخت از آن جا که وجودش در هر دوره از حیات جامعه اسلامی - اعم از حضور و غیبت - ضروری است، مطابق ضوابط خاصی تعریف می‌شود. براین اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه اطهار علیهم السلام و ولی فقیه در دوران غیبت همه از این حیث در یک رتبه و جایگاه هستند. به تعبیر دیگر جامعه اسلامی محتاج وجود نهادی است که ناظر بر تحولات کلی جامعه بوده و مراقب باشد که روند امور به گونه‌ای نگردد که خروج از قلمرو ارزشهای دینی را در پی آورد. در اولین جامعه اسلامی، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متولی این مهم بودند و پس از آن برای دوره‌ای حضرت علی علیه السلام عهده‌دار این کار خطیر گشتند. به نظر امام علیه السلام این رسالت در عصر غیبت بر عهده ولی فقیه است:

«این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود یا

اختیارات حکومتی حضرت امیر علیه السلام بیش از فقیه است باطل و غلط است. البته فضایل

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیش از همه عالم است... لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات

حکومتی را افزایش نمی‌دهد. (۱۹)

دوم آن که: بین ساخت ولایت با ساخت سیاست مرز دقیقی وجود دارد که کمتر به آن توجه می‌شود. مطابق بینش حضرت امام علیه السلام حکومت ابزاری است در دست صالحان برای تحقق آرمانهای اسلامی و رفع حوائج روزمره آنها. بنابراین شأن آن ابزاری و به طور

«عهده دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه و اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است.» (۲۰)

نظر به این که دولت - در معنای عامش که هر سه حوزه سیاست و اقتصاد و فرهنگ را شامل می شود - در بطن سیاست روز قرار دارد، بدیهی است که به شدت تحت تأثیر روندهای سیاسی قرار گیرد و میزان مقبولیت و مشروعیت آن در نوسان باشد. اما ساخت ولایت در فضایی بالاتر از مجادلات سیاسی روز جای دارد. به همین خاطر ولایت ضمن اعمال نظارت کلی، دستخوش تحولات نشده، مشروعیت اولیه خود را از رهگذر انجام کارویژه اش حفظ می نماید. نتیجه آن که دولتها می آیند و می روند و هر یک سیاستی را برای اداره امور جامعه در چارچوب اصول اصلی به اجراء می گذارند ولی ولایت در درون هیچ یک از این سیاستها معنا و محدود نمی شود و در افقی ورای این تحولات نقش نظارتی و هدایتی خود را به انجام می رساند؛ عملکرد حضرت امام علیه السلام در قبال جناح بندیهای سیاسی و ایجاد تعادل بین آنها، تأییدگر ادعای فوق است.

## ۲- ساختهای پیرامونی

حضرت امام علیه السلام یک آرمان‌گرای افراطی نبودند که در مقام تحلیل حیات اجتماعی افراد در جامعه اسلامی صرفاً به مقولات ارزشی توجه نموده از واقعیتها غافل شوند؛ به همین خاطر مشاهده می شود که با در نظر داشتن سه موضوع مهم اقتصاد، سیاست و فرهنگ، نهادهای مربوطه و نقش مؤثر آنها را هیچ‌گاه نادیده نمی گیرند؛ شایان ذکر است که بینش اجتماعی امام علیه السلام به گونه‌ای بود که اساساً در آن بحث از زیربنا و روبنا به شکل افراطی و خام آن مبنی بر تأثیرگذاری یک جانبه (۲۱)، نمی توانست مطرح شود،<sup>۱</sup> بلکه همه ساختها در حد خود برای نیل به هدف از خلقت، مهم و قابل توجه بودند. به تعبیر امام علیه السلام هدف از حیات انسان بر روی کره خاکی آن است که افراد به ایمان الهی تمسک جست،<sup>۲</sup>

۱- امام خمینی علیه السلام: «آنها که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را اقتصاد می دانند، آنها از باب اینکه انسان را نمی دانند یعنی چه، خیال می کنند که انسان یک حیوانی است... حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است.» (۲۲)

۲- امام خمینی علیه السلام: «ایمان عبارتست از این که آن مسائلی را که شما با عقلمتان ادراک کرده‌اید، آن مسایل را

تهذیب نفسانی را پیشه ساخته<sup>۱</sup> و در نهایت، ارزشهای الهی را بر مملکت وجودی خود مسلط سازند،<sup>۲</sup> به گونه‌ای که از بند خود<sup>۳</sup> رهیده و انسان الهی<sup>۴</sup> بشود. بنابراین به نظر امام علیه السلام رفع کلیه نیازهای مادی و معنوی، هر دو مهم هستند و در این جاست که ساختهای زیر فلسفه وجودی یکسانی می‌یابند:

- ساخت سیاسی مشتمل بر نهادهایی از قبیل دولت، ادارات متبوعه، تشکلهای و احزاب.
- ساخت اقتصادی از قبیل مؤسسات مالی و اعتباری مختلف که در هر عصری به شکلی ظاهر می‌شوند.
- ساخت فرهنگی مشتمل بر کانونهای فرهنگی، مساجد، مؤسسات ترویج اصول اخلاقی.

همان‌گونه که نمودار شماره (۲) نیز نشان می‌دهد ساختهای سه‌گانه فوق برگرد ساخت مرکزی ولایت قرار دارد و تمام ساختار در نهایت بر بستری از ارزشهای الهی قرار می‌گیرد که بیانگر این مطلب است که حیات جامعه اسلامی در گرو رعایت اصول ارزشی دینی می‌باشد و در غیر آن اطلاق اسلامی به جامعه مورد نظر وجهی ندارد.

## دوم - بازشناسی زمینه‌های وقوع «انقلاب - ۲»

حال با عنایت به پیش‌سیاسی - اجتماعی امام علیه السلام می‌توان به تعریف و تحدید صور «انقلاب - ۲» همت گمارد. برای این منظور تحلیل ماهیت هر یک از ساختها و همچنین توجه به تعاملات بین ساختهای مختلف ضروری است. نمودار شماره (۳) نشان‌دهنده

قلبتان هم به آن آگاه بشود. باورش بیاید... بفهمید که همه عالم محضر خداست... اگر قلب ما این معنا را ادراک بکند... از معصیت کنار می‌رود...» (۲۳)

۱- امام خمینی علیه السلام: «همه در رأس برنامه‌هایشان در این جمهوری اسلامی باید این معنا باشد که مذهب باشند قبل از اینکه عالم هستند. مذهب باشند قبل از اینکه محصل هستند...» (۲۴)

۲- امام خمینی علیه السلام: «این ادعیه انسان را از این ظلمت بیرون می‌برد... همین ادعیه و همین خطبه‌های نهج‌البلاغه و همین مفاتیح‌الجنان... همه کمک انسانند برای اینکه او را آدم بکنند...» (۲۵)

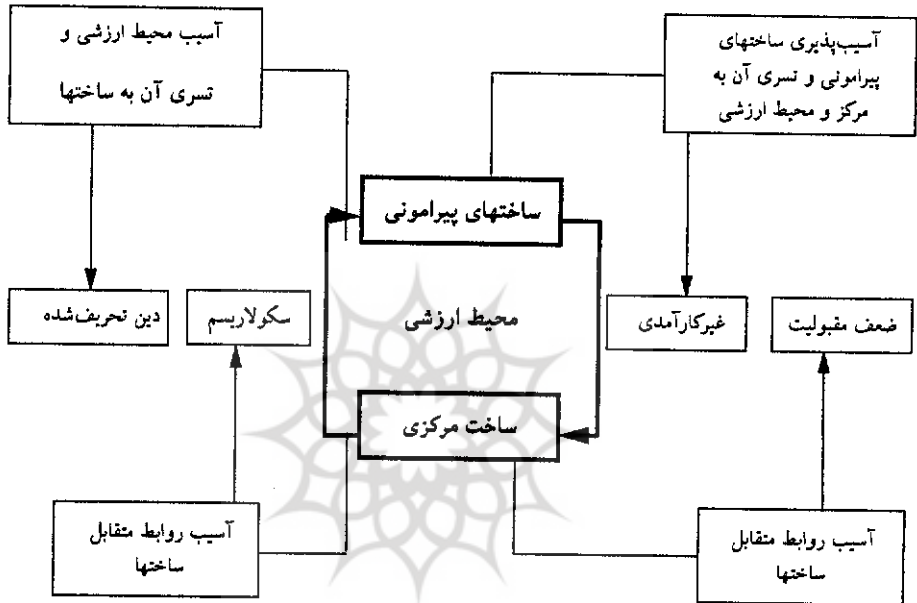
۳- امام خمینی علیه السلام: «اگر چنانچه [انسانها] تزکیه بشوند طغیان پیش نمی‌آید... اختلافاتی که بین همه بشر هست... این اختلافات ریشه‌اش این طغیانی است که در نفس‌هاست...» (۲۶)

۴- امام خمینی علیه السلام: «تمام عبادات وسیله است... که آنچه بالقوه است و لب انسان است به فعلیت برسد و انسان بشود، یک انسان الهی بشود...» (۲۷)

مهم‌ترین کانونهای بحران‌زا در جامعه اسلامی مطابق نظر امام علیه السلام می‌باشد که می‌تواند به ۱۵۷ «انقلاب - ۲» منجر شود. (تصویر شماره ۳)

تصویر شماره (۳)

حوزه‌های آسیب‌پذیر و ایجادگر «انقلاب - ۲» مطابق بینش حضرت امام علیه السلام



**توضیحات:** حضرت امام علیه السلام در مجموع چهار حوزه را مولد «انقلاب - ۲» می‌دانستند:

- ۱- آسیب محیط ارزی: به این معنی که ایدئولوژی اسلامی به شکل نادرستی تفسیر شود که با اسلام ناب محمدی فاصله داشته باشد.
- ۲- آسیب ساخت مرکزی: خروج نهاد ولایت از نقش اصلی اش و تفسیر آن در چارچوب سیاستهای روزمره و گروهی.
- ۳- آسیب ساختهای پیرامونی: اداره نکردن صحیح امور اجتماع که به نابسامانی و زوال مشروعیت منجر می‌شود.
- ۴- آسیب‌پذیری روابط متقابل ساخت مرکزی، پیرامونی و محیط: تلاش پیرامون برای استقلال از مرکز و محیط ارزی.

در قالب الگوی فوق می‌توان به بازخوانی نظرگاه امام علیه السلام پرداخت و از این طریق به ماهیت «انقلاب - ۲» پی برد. بر این اساس حوزه‌های چهارگانه بحران عبارتند از:

همانگونه که نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد، ارزشها در جامعه اسلامی نقش والایی دارند و چنان که حضرت امام علیه السلام نیز بیان داشته‌اند، مبنا اصول و ارزشهای الهی است که باید حفظ و محقق شوند:

«مقصد این است که اسلام... احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود. (۲۸)... ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم...» (۲۹)

بنابراین بستر ارزشی جامعه از دیدگاه امام علیه السلام بسیار مهم بود به گونه‌ای که اگر از ساختهای دیگر سخن به میان می‌آمد به‌طور مستقل نبوده و با عنایت به اسلام معنا می‌یافتند؛ برای مثال صرف سیاستهای اقتصادی و یا سیاسی و فرهنگی رژیم شاه نبود که انقلاب‌ساز شده بود بلکه ملت به خاطر اسلام، سیاست اسلامی، اقتصاد اسلامی و فرهنگ اسلامی قیام کردند:

«ملت ما گرفتار این‌طور مسائلی که مثلاً اقتصادمان چه باشد... نیستند، آنها دنبال اسلام هستند.» (۳۰)

نتیجه آن که اگر در یک جامعه اسلامی، ایدئولوژی اسلامی حاکم از معیارهای اسلام ناب محمدی فاصله گرفته و اسلام به گونه‌ای مورد بازخوانی و تفسیر قرار گیرد که اصالت اولیه خود را از دست بدهد - مثلاً شکلی استبدادی بیابد و یا به صورت مکتبی خنثی و منفعل درآید - بدیهی است که کلیه ساختهای اجتماعی نیز تغییر کرده شکلی مستبدانه یا دموکراتیک (در معنای غربی آن) می‌یابند. در هر صورت چنین ساختهای پاسخ‌گوی نیازهای معنوی و مادی جامعه نبوده، جامعه را به سوی بی‌ثباتی می‌رانند. بدین ترتیب که نظام حاکم اگر چه نام اسلام را با خود یدک می‌کشد ولی در نهایت از الگوی اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به دور بوده و نمی‌تواند نیازهای مشروع شهروندان جامعه اسلامی را پاسخ گوید.<sup>۱</sup> پس سنت سیاسی امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت ائمه مسلمین به اجراء درمی‌آید که اگر مراحل اولیه آن نتیجه نبخشد، شکل نهایی یعنی «انقلاب - ۲» رخ خواهد داد:

۱. امام خمینی علیه السلام: «آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است، ارزشهای معنوی است. در صدر اسلام در دو زمان، دو بار حکومت اصیل اسلام محقق شد، یکی زمان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و دیگر وقتی که در کوفه علی ابن ابی طالب علیه السلام حکومت می‌کرد.» (۳۲)

«همه‌مان مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان، مسؤول کارهای دیگران هم هستیم: کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ. همه باید نسبت به هم رعایت بکنند. مسؤولیت من هم گردن شماست، مسؤولیت شما هم گردن من است. باید نهی از منکر بکنید. امر به معروف بکنید.» (۳۱)

### دوم - آسیب ساخت مرکزی و تسری آن به پیرامون و محیط

همان‌گونه که گفته شد، ولایت به مثابه ساخت مرکزی باید بر سلامت نظام نظارت داشته باشد و بدیهی است که اگر از انجام دادن این کارویژه خود باز بماند، مشروعیت نظام لطمه خورده و منجر به دلسردی مردم از کل اسلام می‌گردد. این فرض در چند صورت قابل تحقق است:

صورت اول: فرد یا افرادی که در این نهاد قرار می‌گیرند، فاقد شرایط مشخص شده (فقاہت، تدبیر، عدالت، آگاهی به شرایط زمان و...) باشند یا آنها را از دست بدهند. اگر در این انتخاب کوچکترین اشتباهی رخ بدهد یا در مقام عمل با تسامح با آن برخورد بشود، تعادل نظام در جامعه اسلامی به هم می‌خورد و این عدم توازن مشروعیت آن را به مخاطره می‌اندازد.

صورت دوم: تنزل شأن نهاد ولایت به ستیزه‌ها و اختلاف‌نظرهای رایج در حیات سیاسی - اقتصادی روز، منجر به آن می‌شود که نهاد ولایت به یک جناح یا حزب فروکاهد که البته با رسالت آن همخوانی ندارد. بدین ترتیب باید برای حفظ مشروعیت و سلامت نظام هم که شده، از بروز این تحریف جلوگیری به عمل آورد. تأکید امام علیه السلام بر جایگاه ولی فقیه و توجه به رسالت خطیر مجلس خبرگان رهبری و سیره عملی ایشان تماماً بر صحت ادعای فوق اشعار دارد. کلام ایشان در این زمینه صراحت تمام دارد آن جا که می‌گویند:

«اگر من یک پیم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت راجع گذاشتی، خودت را حفظ کن... توجه داشته باشد که مبدا من یک وقت یک کلمه برخلاف مقررات اسلام بگویم، اعتراض کنند، بنویسند، بگویند.» (۳۲)

حضرت امام علیه السلام ساخت ولایت را محور فعالیت‌های نظام اسلامی می‌دانستند که بروز کوچکترین انحراف و یا کژراهه‌ای در آن تأثیرات منفی بسیاری را در سطح حکومتی و التزام عملی مردم به ارزشهای اسلامی به جای می‌گذاشت؛ بنابراین به سازوکارهای درونی و بیرونی تقویت و حفظ سلامت آن اعتبار زیادی می‌بخشیدند. در یک معنا تاریخ

اسلام را می‌توان از این منظر توضیح و تفسیر نمود و مهمترین تحولات آن را براساس معیار فوق به تحلیل درآورد. نگرش امام علیه السلام در این خصوص آشکارا از سنت نبوی و علوی ناشی می‌شود که در آن ولایت، محور وحدت سیاستهای نظام قلمداد می‌شود. (۳۳) حضرت امام علیه السلام با اشاره به کل مسؤولان نظام، خطاب به ملت و به صراحت فرموده‌اند:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظیفه اسلامی فرد عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است.» (۳۵)

### سوم - آسیب‌پذیری ساختهای پیرامونی و تسری آن به مرکز

در جامعه اسلامی باید حوائج دنیوی مردم نیز به نحو احسن برآورده شود. امنیت، مسکن، نان، شغل، وجود تسهیلات و امکانات فرهنگی و... برای تمام شهروندان دارای اهمیت است و هر نظامی باید به فکر برآورده کردن این نیازهای مشروع باشد. بنابراین اگر نظام اسلامی نتواند از مشروعیت و مقبولیت مردمی‌اش برای حل این مسایل استفاده ببرد، در نهایت این گمان در اذهان قوت می‌گیرد که اسلام از اداره امور جامعه ناتوان است. بدیهی است که در صورت استمرار اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، فشار ناشی از دشواری زندگی روزانه سرانجام بر باور ذهنی افراد فایز آمده شکل حاکم از دین را نفی کرده، به دنبال بدیل‌های دینی دیگری برواهند آمد. این فصل از اندیشه امام علیه السلام بسیار گسترده و متنوع است و حکایت از واقع‌گرایی امام علیه السلام دارد که اسلام را پاسخگوی امور دنیوی و اخروی انسان می‌دانستند. در ادامه جهت تأیید این ادعا بر مهمترین محورهای مطروحه در کلام امام علیه السلام مروری خواهیم انداخت، محورهایی که بیان‌گر اصول کلی حاکم بر ساختهای پیرامونی است. (۳۶)

### ۱- ساخت سیاسی

#### ۱-۱- احقاق حقوق مستضعفان:

«خدا نیارود آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسؤولین کشور ما پشت کردن به دفاع از

محرومین... [باشد]» (۳۷)



## ۱-۲- جلب رضایت مردم:

«ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود... بنابراین حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت [نمود]» (۳۸)

## ۱-۳- استقلال سیاسی:

«اگر بخواهید به همه مشکلات پیروز شوید باید همه محکم بایستید در مقابل قدرتها و استقلال خودتان را... محکم نگه دارید» (۳۹)

## ۱-۴- وجود آزادیهای مشروع:

«در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد...» (۴۰)

## ۱-۵- صلح و دوستی:

«شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری نکنید که مردم به شما متوجه بشوند... کاری کنید که دل مردم را به دست بیاورید» (۴۱)

## ۱-۶- تکریم ملت:

«به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانند و در خدمتگذاری به آنان... فروگذار نکنند» (۴۲)

## ۲- ساخت اقتصادی

### ۲-۱- وجود عدالت اقتصادی:

«اسلام است که جلو منافع شخصی را می‌گیرد. اسلام است که نمی‌گذارد این گردن کلفتها زندگی اشرافی بکنند... اسلام تعدیل می‌کند» (۴۳)

### ۲-۲- مبارزه با سرمایه‌داری:

«اسلام... با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق نیست» (۴۴)

### ۲-۳- ساده‌زیستی:

«این کاخهای مجلل آسمان‌خراش و آن کامجوییهای رؤیایی سلاطین جور و حکومتهای باطل که با دسترنج ملتها فراهم شده است، مردم را به سوی حزبهای منحرف می‌کشاند. اگر حکومت اسلام که رئیسش با رعیت یکسان و دارالحکومه‌اش مسجد... است، روی کار آید اساس انحرافات چپ در اصل بر باد می‌رود» (۴۵)

## ۲-۴- تعاون در رفع نیازهای اقتصادی:

« کارهایی را که مردم می‌توانند انجام بدهند، دولت باید انجام بدهد. کاری را که هم دولت می‌تواند انجام بدهد و هم مردم می‌توانند انجام بدهند، مردم را آزاد بگذارید که آنها بکنند، خودتان هم بکنید [ولی] جلوی مردم را نگیرید. فقط یک نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا شود.» (۴۶)

## ۳- ساخت فرهنگی

## ۳-۱- اهمیت دادن به مسایل فرهنگی:

«راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.» (۴۷)

## ۳-۲- تأمین نیازهای فرهنگی:

«ما اگر دانشگاه‌هایمان اداره نشود کارمان زار است... اگر دانشگاه را سست بگیریم و از دست ما برود همه چیزمان از دست رفته است.» (۴۸)

## ۳-۳- تولید فرهنگی:

«تنها هنری مورد قبول است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی ﷺ اسلام ائمه هدی علیهم‌السلام، اسلام فقرای دردمند... باشد.» (۴۹)

## ۳-۴- تجهیز فرهنگی:

«دستگاههایی در این مملکت بوده و هست که بایستی در خدمت مردم می‌بود ولی رژیم غاصب و فاسد گذشته از آنها در راه هدفهای نامشروع خود و گسترش فساد استفاده کرده است.» (۵۰)

در یک کلام، نظام اسلامی باید بتواند دنیای مردم را نیز سامان بخشد چرا که آخرت و دنیای مردم در ارتباط مستقیم هستند و اسلام هر دو را مدنظر داشته است. بنابراین ناکارآمدی مستمر نظام و انجام ندادن کارویژه‌های معقول و متعارف، آن را تضعیف، نارضایتیها را زیاد و در نهایت احتمال وقوع «انقلاب - ۲» را افزایش می‌دهد. این مطلب در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام ﷺ در قالب اصطلاح «دولت خدمتگذار» مورد تأکید قرار گرفته است؛ آن جا که امام ﷺ خطاب به دولت می‌فرمایند:

«خدمتگذار باشید به این ملتی که دستهای خیانت‌کار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد و... روزی که احساس کردید می‌خواهید فشار به مردم بیاورید، بدانید که دیکتاتور دارید می‌شوید.» (۵۱)

## چهارم - آسیب روابط متقابل ساختها

از ملاحظات پیشین معلوم می‌شود در اسلام رابطه دین و دنیا بسیار وثیق می‌باشد به گونه‌ای که استقلال هر یک از دیگری تباهی آور بوده و هدف نهایی مکتب اسلام را برآورده نمی‌سازد؛ این فرض در دو حالت قابل تصور است:

حالت اول - متولیان امور اجرایی کشور با تمسک به این توجیه که اداره امور جامعه امری است تخصصی و علم خاص خود را دارد، بخواهند ارتباط ساختهای پیرامونی را از ساخت مرکزی قطع کنند و یا این که بحث از ارزشهای دینی را به حاشیه رانده، مدیریتهای صرفاً دنیوی را حاکم و ترویج نمایند. در این صورت مسلمانان اگرچه امر سیاست و اقتصاد... را تدبیر می‌کنند ولی مشاهده می‌شود که در این مقام به بنیان ارزشی چندان توجه نمی‌شود و نتایج، تضعیف مظاهر و باورهای اسلامی را در پی می‌آورد. این گرایش سکولاریزم را به دنبال دارد که می‌تواند از شکل خفی تا آشکار، در جوامع اسلامی نمود یابد.

حالت دوم - تفسیری از ساخت مرکزی ولایت و کلاً اسلام مطرح شود که مبتنی بر معنویت افراطی باشد. بدین صورت که دینداران پرداختن به امور دنیوی مردم را نوعی تنزل شأن خود بدانند. انزوای معنوی منجر به خروج امور از مدار معنویت شده و اگر همراه با سکولاریزم گردد، به سرعت جامعه را بدان جا رهنمون می‌گردد که دین از کلیه عرصه‌های حیات - حتی فردی - خارج شده به شکل یک میراث تاریخی درمی‌آید که در شناسنامه یا شجره‌نامه افراد ثبت و ضبط می‌شود. بدیهی است که جامعه اسلامی نمی‌تواند با چنین رویکردهایی موافق باشد و در نهایت با بیدار شدن خودآگاهی مذهبی توده‌ها، زمینه بروز «انقلاب - ۲» را فراهم می‌آورد. (جدول شماره ۱) به همین علت است که عرفان افراطی را - به معنای انعزال و گوشه‌گیری - به شدت نفی کرده، در نقد آن می‌فرمایند:

«یک مدت زیادی گرفتار عرفا بودیم. اسلام گرفتار عرفا بود. آنها خدمتشان خوب بود اما گرفتاری برای این بود که همه چیز را برمی‌گردانند به آن طرف، هر چه دستشان، هر آیه‌ای که دستشان می‌آمد، می‌رفت به آن طرف... کأنه قرآن با این کارها سیاست و جامعه [کار ندارد.]» (۵۲)

## جدول شماره (۱)

صور و زمینه‌های بروز «انقلاب - ۲» از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

صورت	زمینه بروز انقلاب	عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب	فرآیند فاسد
اول	آسیب محیط ارزشی و تسری آن به ساختها	بسیان تفاسیر نادرستی از دین‌که به استبدادی جلوه دادن دین یا دموکراتیک (به معنای غربی آن) نمودن دین، می‌انجامد	تحریف دین
دوم	آسیب ساخت مرکزی و تسری آن به پیرامون	۱- فقدان شرایط تصدی این مقام نزد فرد منتخب و یا تسامح‌ورزی در قبال زوال آنها ۲- نازل‌شان ساخت ولایت به نهادی درگیر مبارزات جناحی و حزبی	تخریب دین
سوم	آسیب‌پذیری ساختهای پیرامونی و تسری به ساخت مرکزی و محیط ارزشی	تضعیف کارآمدی نظام و عدم اهتمام کافی به رفع نیازهای جامعه	تضعیف دین
چهارم	آسیب‌پذیری روابط متقابل ساختها	۱- استقلال‌طلبی ساختهای پیرامونی از ساخت مرکزی و محیط ارزشی (سکولاریزم) ۲- انزوای طلبی ساخت مرکزی و دینداران	تحدید دین

## نتیجه‌گیری

سنت تحقیقی پیرامون انقلاب، با عنایت به پیشینه تاریخی زیاد آن، آکنده از نظریه‌هایی است که از ابعاد گوناگون به تحلیل این پدیده مهم پرداخته‌اند. با این حال باید پذیرفت که طرح یک نظریه جامع و کامل با توجه به تنوع تجارب بشری اصولاً ناممکن است. همین امر ما را وامی‌دارد که برای پدیده خاصی به نام «انقلاب - ۲» دست به تأمل نظری مستقلی زده، نظریه‌پردازی خاصی را انجام دهیم.

براین اساس، یکی از بهترین منابع جهت مراجعه و استنتاج نظریه «انقلاب - ۲»، سیره نظری و عملی امام علیه السلام می‌باشد؛ چرا که در عین داشتن آگاهی لازم در دو حوزه سیاست و ققاهت، در وادی عمل نیز صاحب نام بوده و انقلابی را به ثمر رسانیده‌اند. مطابق تفسیر داده شده در این نوشتار، امام علیه السلام به «انقلاب - ۲» به مثابه یک فرآیند نگاه می‌کردند؛ بدین معنی که با عنایت به ساختار کلی جامعه اسلامی انقلاب را نتیجه پیدایش چهار فرآیند مشخص در جامعه اسلامی می‌دانستند: تحریف، تخریب، تضعیف و تحدید دین. بر این اساس انقلاب پدیده‌ای نیست که صرفاً ریشه در امور معنوی یا مادی داشته باشد بلکه آمیزه‌ای از هر دو در آن مؤثرند. گذشته از اینها خواست و اراده الهی را نباید فراموش کرد که بدون آن وقوع انقلاب کاملاً متنفی است. این موضوع از آن جا که دارای صبغه فلسفی - کلامی است، در اینجا مورد توجه تفصیلی قرار نگرفته است

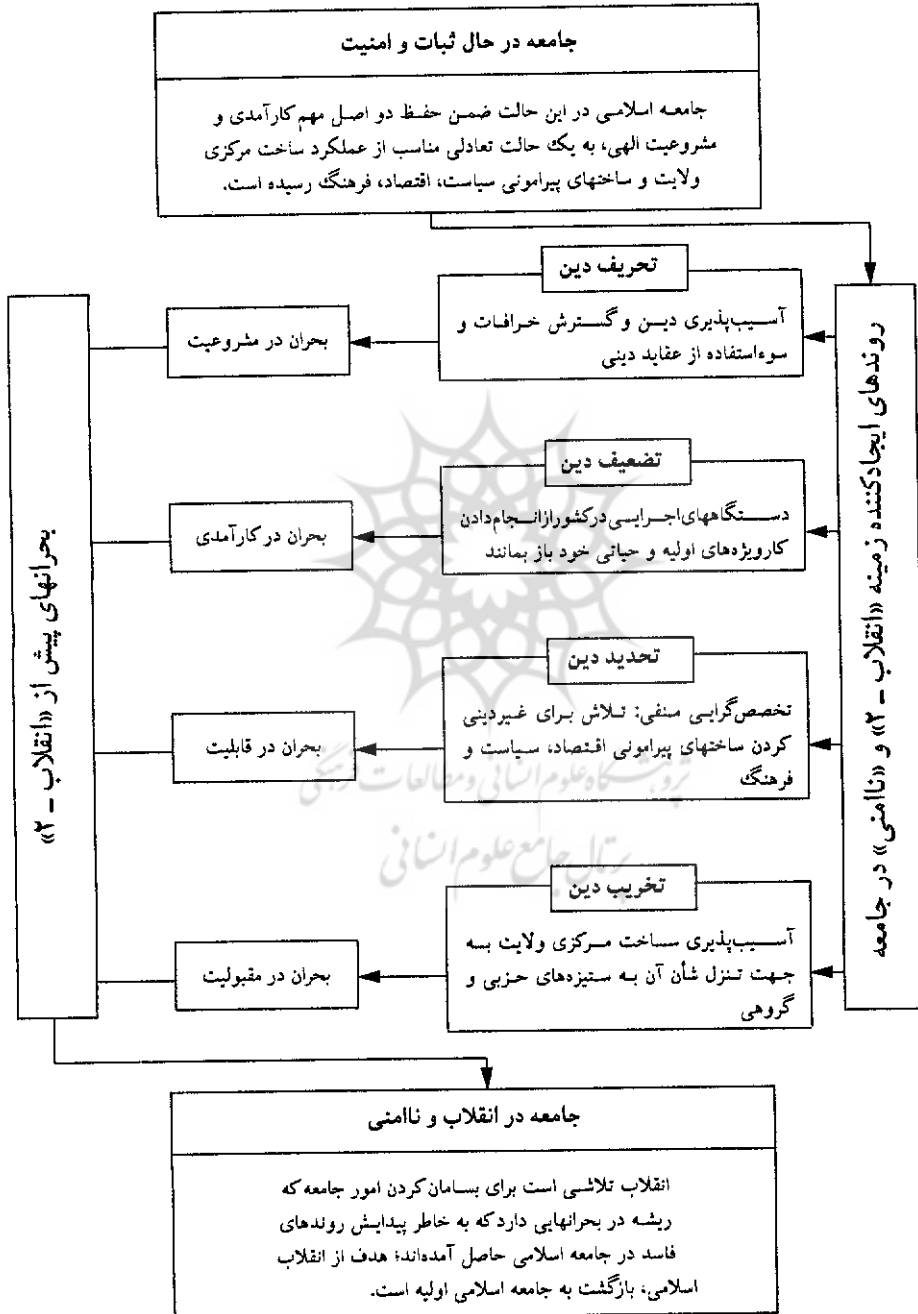
و در علم کلام و فلسفه می‌توان در پی تبیین و تشریح آن برآمد.

نظریه «انقلاب - ۲» بیانگر این واقعیت است که استقرار حکومت اسلامی به معنای خشکانیدن تمام عیار ریشه انقلاب نیست؛ چرا که مطابق سنت الهی اگر حکومت‌های اسلامی از انجام دادن رسالت اولیه خود غافل گردند و به عبارتی به آفت‌های چهارگانه زیر گرفتار آیند، زمینه بروز انقلابی دیگر فراهم خواهد آمد که صبغه دینی آن انکارناپذیر است:

- تفسیر نادرست از آموزه‌های دینی همسو با اهداف سیاسی
  - ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی و تمسک بیش از پیش به دین برای توجیه ضعف‌های اجرایی
  - جدا شدن حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از دین و نظارت رهبری به بهانه تخصصی بودن این حوزه‌ها
  - درگیر شدن ساخت مرکزی ولایت در منازعات حزبی و گروهی
- در صورت جلوگیری نکردن از این فرآیندها و تشدید آنها در نهایت جامعه دچار بحران در مشروعیت و کارآمدی می‌شود که نتیجه آن یک چیز بیشتر نیست: تلاش توده‌ها و افراد مطلع از اسلام اصیل برای سامان‌بخشی مجدد به جامعه و حاکمیت سیاسی دین. (تصویر شماره ۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره (۵)  
از «جامعه در حال ثبات» تا «جامعه در انقلاب»  
(روندها، بحرانها و اهداف)



۱۶۷ بدین ترتیب «انقلاب - ۲» چونان یک روش که در جهت تحقق ارزشهای الهی صورت می‌پذیرد، مورد تأیید اسلام می‌باشد و دیدگاه حضرت امام علیه السلام با عنایت به ظرایف نظری آن می‌تواند به بهترین وجهی برای توضیح وضعیت و شرایط جوامع اسلامی به کار رود. حضرت امام علیه السلام در رهبری انقلاب اسلامی ایران، با توجه به همین عوامل بود که توانستند در پرتو توفیق الهی و مساعدت مردمی، به یک کار بزرگ دست یازیده و در نهایت، جمهوری اسلامی را بنیان بگذارند. اکنون بر پیروان صدیق آن پیر فرزانه است تا با وقوف به آسیبهای احتمالی‌ای که در کمین جمهوری اسلامی است، از شکل‌گیری زمینه‌های مساعد «انقلاب - ۲» و یا بروز بحرانهای انقلابی با عمل صالح خود جلوگیری به عمل آوردند و ضمن حفظ ثبات و تعادل نظام، راه را برای اعمال اصلاحات و تقویت مبنای جمهوری اسلامی، بیش از پیش هموار سازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشتها

- ۱- جهت اطلاع از مراحل مختلف حیات جنبشها رک:  
- Larana, Enrique, Hank Johnston and Joseph R. Guusfield, *New Social Movements*, Temple University Press, Philadelphia, 1994.  
(در این اثر ضمن معرفی ماهیت جنبشهای نوین اجتماعی، مؤلفان به بررسی تطبیقی این جنبشها با گونه‌های پیشین پرداخته، بحث تطبیقی قوی‌ای را عرضه می‌دارند که سازوکار حیات این جنبشها را در ادوار مختلف تاریخی به خواننده، می‌شناساند.)
- ۲- مرحوم شریعتی در دیدگاهی انتقادی، در این باره چنین تحلیل نموده است:  
- شریعتی، علی، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، مجموعه آثار شماره ۹، بحث «نهضت و نظام»، صص ۳۰-۴۰.  
(بدیهی است که انتقاد بالا با توجه به منطق بیان شده ما در این نوشتار نمی‌تواند، مقبول باشد.)  
۳- در این باره نک:  
- هانتینگتون، ساموئل، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۰.
- ۴- جهت مطالعه آثاری با گرایش «موضوع پژوهی» در زمینه «امنیت ملی» نک:  
- Mandel, Robert, *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Green-Wood Press, 1994.  
- Buzan, Barry, *People, States and Fear: The National Security Problem in International Relation*, Harvester, Wheatsheaf, Hemp Stead, 1993.  
- Singh, Jaswant, *National Security: An Outline of Our Concerns*, India, Yuganter Press, 1996.  
۵- جهت مطالعه آثاری با گرایش «نسبت پژوهشی» در زمینه «امنیت ملی» نک:  
- Goodwin, P. Craufvrd (ed), *Economic & National Security*, U.S, Duke University Press, 1991.  
- Fisher, Dietrich, *Nonmilitary Aspects of National Security: A System Approach*, Great Britain,



- Rene, Michel, **National Security: Economics & Reigional Dimensions**, World watch Inc., 1989.

- Ravei, Neda, **National Security: Landscape, Decision Macking**, Lancers Books, 1991.

۶- مبانی اولیه بحث از «جغرافیای امنیتی» را در آثار زیر بخوانید:

- Hashem, Ahmad, **The Crisis of the Iranian State**, International Strategic Studies Institute, 1995.

- Calabress, Jean, **Revolutionary Horizons**, MacMillan, 1994.

- Chubin, Shahram, **Iran's National Security: Capabilities, Intentions & Impacts**, U.S., Washington D.C., 1994.

۷- در زمینه معنا و حدود حقوق امنیتی به اثر زیر نگاه کنید:

- ره‌پیک، حسن؛ «حقوق امنیتی؛ کنترل اجتماعی و رسانه‌ها»، در مجموعه مقالات همایش «رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.

۸- مبانی و کلیات مربوط به حوزه پژوهشی «استراتژی امنیتی» را در آثار زیر بخوانید:

- Brown, Neville, **The Future Global Challeng: A Predictive Study of World Security**, London, RUSI, 1977.

- Brown, Seyom, **International Relation in a Changing Global System: Toward a Theory of the World Politics**, Westview Press.

۹- مبانی و کلیات مربوط به حوزه پژوهشی «مدیریت امنیتی» را در آثار زیر بخوانید:

- Kooniz, Harold, **Essentials of Management**, McGraw-Hill, 1986.

- Quade, E.S., **A Extended Concept of Model**, Tavistock Publications, London, 1970.

۱۰- کلیات مربوط به تقسیم‌بندی جغرافیای امنیتی را در منابع زیر می‌توان مطالعه کرد:

- Andrain, Charles And David Apter, **Political Protest And Social Change: Analyzing Politics**, MacMillan, 1995.

- Pye, Lucian, et.al, **Crisis And Sequences in Political Development**, Priucton University Press, 1971.

۱۱- کوهن، استانفورد؛ **تئوریهای انقلاب**، علیرضا طیب؛ تهران، قومس، ۱۳۷۴؛ ص ۱۳.

۱۲- هابزیانوم، اریک. جی؛ «انقلاب»؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۱، ش ۱۱۹-۱۲۰ و ۱۱۷-۱۱۸.

۱۳- از جمله این آثار مهم نک:

- Amann, P., 'Revolution: A Redefinition', **Political Science Quarterly**, Vol. 77.

- Edwards, L., **The Natural History of Revolution**, Chicago, University Press, 1927.

- Pettee, G., **The Process of Revolution**, New York, Harperand Row, 1938.

- Tilly, Charles, **From Mobilization to Revolution**, Addison Wesley, 1978.

۱۴- درخصوص تأثیرات انقلاب مجموعه مقاله‌های گردآوری شده «اسپوزیتو» قابل توجه می‌نماید. رک:

- Esposito, John (Edi), **The Iranian Revolution: It's Global Impact**, U.S.A, Board of Regents of

the Study of Florida, 1990.

شایان ذکر است که معرفی‌ای از این کتاب به چاپ رسیده است؛ نک:

- افتخاری، اصغر، «گستره جهانی انقلاب»، نامه پژوهش، سال ۱۳۷۸، شماره ۱۱-۱۰.

۱۵- به منظور اطلاع از کلیات این جریان علمی در قبال انقلاب، به شماره ۱۹ از فصلنامه راهبرد مراجعه شود که در آنجا مقالات متعددی درباره تفسیر انقلاب از منظر غربیان آمده است.

۱۶- به نقل از: وینست، اندرو، نظریه‌های دولت، حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۷۱، ص ۷۰. درخصوص پیچیدگی و اهمیت نظریه‌ها نک:

- Hampel, Carl, *Fundamentals of Concept in Empirical Science*, Chicago, University of Formation Press, 1952.

- Trigg, Rogger, *Understanding Social Science*, Blackwell, 1985.

۱۷- صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۵.

۱۸- امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، روح‌الله، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران، دفتر نشر السنت فقیه، بی‌تا، ص ۸۰.

۱۹- همان، ص ۵۵.

۲۰- همان، ص ۵۹.

۲۱- نک: بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نی، ۱۳۷۶، فصل اول. (در این جا تفاسیر متعددی از نظام مبتنی بر زیربنا و روبنا آمده است که مطابق بینش حضرت امام رحمته‌الله‌علیه تفسیر زیربنا با تأثیرگذاری یکجانبه کاملاً مردود است)

۲۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۷۲.

۲۳- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۲.

۲۴- صحیفه نور، ج ۱۴، صص ۳-۱۱۲.

۲۵- امام خمینی، روح‌الله، تفسیر سوره مبارکه حمد، بی‌تا، بی‌تا، ص ۵۴.

۲۶- صحیفه نور، ج ۲۴، ص ۲۵۴.

۲۷- تفسیر سوره مبارکه حمد، پیشین، صص ۵-۷۴.

۲۸- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۱.

۲۹- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۳۰- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۶۱.

۳۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷.

۳۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۳- صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۴.

۳۴- در مقاله زیر محوریت ولایت نبوی به طور اخص در حوزه فعالیت‌های سیاسی نشان داده شده است:

- افتخاری، اصغر، «مبانی اسلامی حاکمیت سیاسی»، مجله دانشگاه اسلامی، سال ۷۷، ش ۶.

در کتاب زیر این محوریت در حوزه‌ای گسترده‌تر درخصوص پیامبر اکرم رحمته‌الله‌علیه، نشان داده شده است:

- افتخاری، اصغر، سیره تبلیغی پیامبر اکرم رحمته‌الله‌علیه: درآمدی بر علم ارتباطات اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات

- ۳۵- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۹۰.
- ۳۶- دیدگاه‌های حضرت امام علیه السلام را در این باره به‌طور مفصل در دو مقاله ذیل به بحث و بررسی گذارده‌ام. بنابراین در این نوشتار محورهای عمده بیان شده و جزئیات نمی‌آیند:  
- افتخاری، اصغر، «آینده انقلاب اسلامی در کلام امام خمینی علیه السلام»، در: فجر انقلاب در بهار قرآن (تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۲۶۰-۲۲۹).
- ۳۷- افتخاری، اصغر، «آرمانهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، در: انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل، (تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ - بولتن علمی - تحقیقاتی معاونت پژوهشی).
- ۳۷- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۹.
- ۳۸- امام خمینی علیه السلام، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، پیشین، ص ۱۳.
- ۳۹- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۸.
- ۴۰- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳۴.
- ۴۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۳.
- ۴۲- امام خمینی علیه السلام، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، پیشین، ص ۱۳.
- ۴۳- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۷۲.
- ۴۴- امام خمینی علیه السلام، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، پیشین.
- ۴۵- صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۴۶- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۶.
- ۴۷- سخنرانی امام علیه السلام، مورخه ۱۳۴۳/۶/۱۸.
- ۴۸- سخنرانی امام علیه السلام، مورخه ۱۳۵۷/۸/۹.
- ۴۹- سخنرانی امام علیه السلام، مورخه ۱۳۶۷/۶/۳۰.
- ۵۰- سخنرانی امام علیه السلام، مورخه ۱۳۶۰/۱۲/۲۷.
- ۵۱- صحیفه نور، ج ۱۸، صص ۴-۸۳.
- ۵۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۰۰.



پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی